

مسیحیت از لابه‌لای متون

حسین ستار

Reading in Christianity

نویسنده: رابرت ای دان وورست

مترجمان: جواد باغبانی و عباس رسولزاده

ناشر: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۸۴

آشنایی ایرانیان با مسیحیت، تاریخ و اندیشه‌های آنان در چند دهه گذشته، به جز موارد محدودی، از راه ترجمه کتاب‌های اندیشمندان و نویسندگان متأخر مسیحی بوده است. البته این نکته در مورد آشنایی ما با سایر ادیان نیز صدق می‌کند. نگاهی به کتب منتشر شده در دو دهه اخیر نشان می‌دهد که بررسی این دین در ایران رو به فزونی گذاشته است. طبیعی است که نویسندگان متأخر با دید و برداشت شخصی خود از متون کهن مسیحی به تبیین مسیحیت و اندیشه‌های آن پرداخته‌اند؛ همین متون ممکن است در دست نویسنده دیگر و با افق فکری متفاوتی ارزیابی شود. افزون بر این، تحولات زمانی و تغییرات عصری نیز در برداشت نویسندگان متأخر از متون کهن مسیحی مؤثر بوده است. در این بین، جای متون اصلی و کهن و اولیه مسیحی در بین علاقه‌مندان تحقیق و جست‌وجو در این آیین بسیار خالی بوده است. در کشور ما به جز کتاب مقدس و چند کتاب انگشت‌شمار دیگر، منابع فارسی از این دست بسیار اندک است.

خوشبختانه در چند سال اخیر در بین مترجمان علاقه به ترجمه متون کهن مسیحی به وجود آمده است و به تدریج در آینده شاهد دسترسی بیشتر فارسی‌زبانان به متون اولیه و کهن مسیحیان خواهیم بود. در این بین، بعضی از مترجمان به ترجمه اصل کتاب‌ها پرداخته‌اند (به عنوان مثال، ترجمه‌های اپوکریفای عهد عتیق و اعترافات آگوستین)؛ اما اقدام قابل تقدیر دیگر ترجمه متون کهن و مهم مسیحیت است که به همت متخصصان فن گردآوری شده است. یکی از ارزنده‌ترین آثار متأخر در این زمینه کتاب سه جلدی اسلام، مسیحیت و یهود است که به همت استاد حسین توفیقی ترجمه و در سال ۱۳۸۵ توسط انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب قم چاپ شده است.

روشن است که تدوین این گونه کتب نیاز به دو ابتکار و تخصص مهم دارد:

الف) انتخاب متون از بین متون کهن و اولیه مسیحیت.

ب) ترجمه این متون یا گردآوری ترجمه از زبان‌های متعدد که مشکلات و پیچیدگی‌های کار مؤلف را دو چندان می‌کند. گفتنی است که ترجمه کتاب حاضر با راهنمایی دکتر محمد لگنهاوزن و زیر نظر استاد حجت‌الاسلام و المسلمین حسین توفیقی، مترجم مبرز در حوزه دین‌شناسی، انجام گرفته است. مترجمان، دانش‌آموختگان حوزه علمیه قم و از محققان گروه ادیان موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی‌اند. از این دو پژوهشگر پیش‌تر کتاب اپوکریفای عهد عتیق در سال ۱۳۸۳ از همین ناشر منتشر شده است.

ویژگی‌های کتاب:

کتاب فوق کتابی آموزشی است که به هدف «آسان‌کردن دسترسی عموم خوانندگان، به ویژه دانشجویان رشته مسیحیت با منابع دست اول این آیین طراحی شده است. از نظر وورست، «منبع دست اول اثری است که درباره موضوعی هم‌زمان با دوره مورد تحقیق آن موضوع نوشته شده باشد و این نوشته غالباً به وسیله کسی که در آن شرکت داشته و شاهد عینی آن بوده، ماده خامی برای تحقیقات پدید می‌آورد.» کتاب ضمن ارائه این متون اولیه، «آنها را با در نظر گرفتن تحقیقات جدید در باب مسیحیت، در ظرف زمانی خودشان قرار می‌دهد.» نویسنده ضمن تأکید بر سختی‌گزینش متون برای تهیه چنین

تألیفی از این‌که از بسیاری از متون صرف‌نظر کرده، ابراز تأسف کرده است. او در تبیین معیار گزینش این متون می‌نویسد: «معیار من در انتخاب این بوده است که دانشجویان به مهم‌ترین نوشته‌های گذشته... دست یابند. علاوه بر این، کوشیده‌ام تا به شیوه‌ای متون را گلچین کنم که در مورد تأکید دانشمندان معاصر بر قضایایی مانند نقش زنان، تنوع درون دین، طبیعت چندفرهنگی و جهانی مسیحیت، دین مردمی و امثال آن، عدالت رعایت شده باشد.»

نویسنده کتاب را با رهیافتی عمومی، تاریخی و موضوعی به مسیحیت سامان داده که در این بین، رهیافت تاریخی شکل‌دهنده کتاب است؛ زیرا «در دنیای آکادمیک غربی، برای تحقیق غالباً رهیافتی تاریخی داریم... تمام عناصر مسیحیت معاصر، اعم از عقیده یا عمل، در گذشته خود ریشه دارد و غالباً فراتر از گذشته خویش به یهودیت قدیم می‌رسد. بنابراین، اکثر متون درسی درباره مسیحیت رهیافت و طرحی را دنبال می‌کند که غالباً تاریخی است...» البته نویسنده موارد زیر را به عنوان ضعف‌های رهیافت تاریخی می‌پذیرد:

۱. تحقیر گذشته از سوی معاصران یا پندار روشن‌بینی کمتر در ادوار گذشته؛
۲. پندار باطلی برتری گذشته بر حال؛
۳. عدم استفاده مسیحیان از تاریخ در فهم ایمان؛
۴. سکوت درباره بعضی از مسائل مهم همچون نقش زنان در میراث اولیه (ص ۲۵).

از این‌رو، وی برای جبران این نقایص، رهیافت موضوعی را نیز به رهیافت تاریخی اضافه می‌کند و درباره موضوعات زیر در هر دوره بحث می‌کند:

۱. حوادث کمک‌کننده به شکل‌گیری مسیحیت؛
۲. مسیحیت و ساختار سلسله‌مراتبی و عبادات آن؛
۳. تسلیم سنت؛
۴. ارتباط آن با دیگر نهادها.

از بین موضوعات متفاوت کتاب، همان‌گونه که در مقدمه ذکر شده، دو مطلب بیشتر مورد توجه نویسنده قرار گرفته است: مجموعه مسائل مربوط به زنان (به عنوان نمونه،

نگاه کنید به صفحات: ۷۸، ۱۱۱، ۱۴۶، ۱۶۴، ۲۰۴، ۲۱۴، ۲۲۹، ۲۷ و... ۲، ۳۶۰، ۴۶۳، ۳۹ و... و دیگر روابط مسیحیان و یهودیان (به عنوان نمونه، نگاه کنید به صفحات: ۳۹، ۱۰۲، ۱۱۱، ۱۹۶، ۲۰۳ و...)

مروری بر مطالب کتاب:

کتاب حاضر در هفت فصل تدوین یافته و هر فصل دارای قسمت‌های فرعی تری است. نویسنده در ابتدای هر فصل، داستانی کوتاه برای ایجاد علاقه در خواننده ذکر می‌کند و سپس در مقدمه، زمینه متون، نام‌های آن دوره، ارائه خلاصه تاریخی دوره و بررسی انواع ادبی منابع اولیه دوره را سرلوحه کارش قرار داده، سپس متون برگزیده را ارائه می‌کند. این متون در موضوعات زیر مرتب شده است:

حوادث دینی مهم دوره زندگی کلیسای رسمی و عبادت، تعلیمات مسیحیت در موضوعات مختلف، اخلاقیات سنت مسیحی و روابط مسیحیت با رقیبان درونی و بیرونی.

از آنجا که کتاب جنبه آموزشی دارد، هر فصل با سه بخش زیر به اتمام رسیده: واژه‌نامه، موضوعاتی برای مطالعه و تحقیق و پیشنهادهایی برای مطالعه بیشتر.

فصل اول کتاب با نام «مطالعه مسیحیت از منابع دست اول» به بررسی کلی منابع اولیه مسیحی پرداخته و دانشجو را با هنر مطالعه منابع آشنا می‌کند. این فصل دارای چند بخش است: موضوعات و روش‌های مطالعه در مسیحیت، ماهیت و تنوع منابع دست اول، خلاصه طرح کتاب و پیشنهادهایی برای مطالعه سودمندتر و منابع متداول. به اعتقاد نویسنده، «مطالعه علمی مسیحیت مانند مطالعه هر دینی دیگر، کار پیچیده‌ای است... این رشته در ماهیت خود از جمله تحقیق درباره منابع دست اول به رشته‌های گوناگونی توجه دارد و از بیشتر علوم انسانی به ویژه تاریخ، ادبیات، فلسفه و اکثر علوم اجتماعی به ویژه روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی استفاده می‌کند» (۱۹) اما دانشجویان معمولاً از طریق تاریخ نقلی با سنت مسیحی آشنا می‌شوند. خود این روش به سه نمونه عمده دیگر تقسیم می‌شود: تاریخ سیاسی - اجتماعی، تاریخ اقتصادی و تاریخ فکری. اما گرایش‌هایی که در جهان علم در سی سال گذشته به وجود آمده، به پیچیدگی مسیحیت افزوده است؛ گرایش‌هایی مانند فمینیسم، تعددگرایی فرهنگی، روان‌تاریخی،

مسکونی‌گرایی (ecumenism) و پست‌مدرنیسم.

مؤلف در تبیین منابع دست اول مسیحی به نقایص این گونه متون اشاره می‌کند:

۱. ارائه گزارش نامتعادل از گذشته و گاهی از حال؛

۲. این‌که غالباً آنها را باید در قالب ترجمه بخوانیم؛

۳. از بین رفتن زمینه تفسیر کامل؛

اما «امتیازهای فراوان استفاده از منابع دست اول برای فهم مسیحیت بیش از آن است که تنها این نقص‌ها را جبران کند»؛ زیرا منابع مکتوب معنای خود را مستقیم‌تر و کم‌ابهام‌تر بیان می‌کند، فراوان و فراگیر و معتبر و قابل تجزیه و تحلیل است.

فصل دوم با نام «بنیادهای کتاب مقدس» به بررسی مسیحیت در نوشته‌های مقدس مسیحیت (Bible) اختصاص یافته است. نویسنده بر این باور است که کتاب مقدس به سبب گواهی بر شکل‌گیری مسیحیت و اثر مداوم آن بر ایمان مؤمنان، مؤثرترین منبع ادبی مسیحیت است که دارای کاربردهای ذیل است:

۱. متنی جهت عبادت الاهی؛

۲. کاربرد علمی: مطالعه آن به روش تاریخی - نقدی؛

هدف این روش آن است که «کتاب مقدس را در زمینه تاریخی اصلی آن بفهمد و در

پی فهم این است که خوانندگان نخستین از آن چه می‌فهمیدند.»

در بخش وقایع تاریخی این فصل، از کتاب مقدس، دعوت ابراهیم، نجات از مصر، تولد عیسی مسیح، دستگیری و محاکمه و مرگ عیسی و رستاخیز او ذکر شده است.

در باب نهادهای این دوره نیز با عناوینی چون دوازده رسول و رسالت آنان، اولین و آخرین تعالیم پولس درباره رهبری کلیسا و عشای ربانی مواجهیم و در بخش تعالیم از جمله مواردی که مورد توجه قرار گرفته، آفرینش و عصیان، یکتایی خداوند، مبارزه با گنوسی‌گری و نتایج عادل‌شمردگی خدا و آخرالزمان است.

در بخش اخلاقیات موارد زیر بررسی شده است: ده فرمان، موعظه سرکوه، محبت، و تکالیف اخلاقی در خانواده مسیحی.

در بخش ارتباطات، موضوعاتی چون مسیحیان و شیوه زندگی غیر اهل کتاب، عقیده پولس درباره یهودیت و دو تلقی از حکومت به استناد کتاب مقدس نقل شده است.

فصل سوم کتاب به بررسی منابع اولیه مسیحیت بین سال‌های ۱۰۰ تا ۵۰۰ میلادی

می‌پردازد، دوره‌ای که نویسنده، آن را «مسیحیت قدیم یا مسیحیت باستانی» می‌نامد. در این دوره، مسیحیت به اندازه‌ای رشد کرد که دینی بزرگ در امپراتوری روم شد و از آزارها جان سالم به در برد و بر رقیبان خود پیروز شد. نویسنده با بیان کلیات تاریخی این دوره متذکر می‌شود که همچنان که مسیحیت میان غیریهودیان گسترش می‌یافت، از شأن قدیم خود به عنوان فرقه‌ای یهودی فاصله می‌گرفت. بعضی از وقایع تاریخی این دوران عبارت است از: آشکار شدن تغییر کلیسا از یهودی به غیریهودی برای مقامات رومی، مبارزه معنوی با مشروعیت امپراتوری و نظام دینی رومی، مبارزه با آیین گنوسی در قرن دوم و پذیرش مسیحیت از سوی قسطنطین و...

انواع ادبی منابع دست اول این دوره در واقع ادامه انواع ادبی عهد جدید است: رساله‌ها (epistle)، نوشته‌های تاریخی و خطبه‌ها (sermon) دفاعیه‌ها (apology)، شهیدشناسی (martyrology)، قانون ایمان و اعتقادنامه‌ها (creed).

چنان‌که خواهیم دید، برجسته‌ترین نویسنده این فصل کتاب، قدیس آگوستین است. در بخش حوادث این فصل، موارد ذیل از منابع اولیه اخذ شده است:

۱. یادآوری شهادت پطرس و پولس؛

۲. بازجویی رومیان از مسیحیان؛

۳. شهادت یک بانوی مسیحی جوان؛

۴. آزار بزرگ؛

۵. پیروزی و نوکیشی قسطنطین؛

۶. فرمان بردباری و...

بعضی از موارد مهم بخش نهاد مسیحی در این دوره که از آن بحث شده، عبارت است از این‌که برتری پاپ از برتری پطرس ناشی می‌شود، مقامات کلیسا در قرن دوم، زنان شماس و...

در بخش عبادت، گونه‌ای از عبادت مسیحیان قدیم آمده که ژوستین در بخشی از دفاعش از مسیحیت ذکر کرده است و سپس تعمید در قرن دوم و سوم و عشای ربانی مورد بحث قرار گرفته است.

گزارش اجریا، راهبه اسپانیایی در ابتدای قرن پنجم، از زیارت خود از مصر، فلسطین و آسیای صغیر از دیگر قسمت‌های جالب و خواندنی این بخش است.

در بخش تعالیم، با متونی دربارهٔ قانون ایمان از ترتولیان، تعارض مسیحیت گنوسی با مسیحیت راست‌کیش، زنان و گنوسی‌گری روبه‌رو می‌شویم. از مطالب مهم این بخش، مناقشات آریوس است. وی از تعلیم خویش در قرن چهارم مبنی بر این‌که مسیح در وجود یا جاودانگی با خدا برابر نیست، دفاع می‌کرد. در دومین متنی که مربوط به سال ۳۲۵ است، خلاصه تعلیم شورای نقیه و در آخرین متن آتاناسیوس که مخالف اصلی آریوس بود، از تعلیم خود و اعتقادنامه نقیه دفاع می‌کند (۱۷۲).

مبارزه پلاگیوس و آگوستین و اختلاف و نزاع این دو دربارهٔ اختیار، مسئولیت انسان و انتخاب الاهی نیز از دیگر مطالب خواندنی این بخش است.

بعضی از مهم‌ترین موضوعات متون بخش اخلاقیات عبارت است از:

۱. دو راه (حق و باطل)؛

۲. اخلاق مسیحی در فرهنگ‌های گوناگون (رساله به دیوگناتوس که مؤلف آن

مجهول است)؛

۳. بررسی دو دیدگاه دربارهٔ جنگ (دیدگاه ترتولیان و آگوستین در کتاب شهر خدا)؛

۴. ورود آگوستین به مسیحیت.

در بخش ارتباطات یا قسمت‌های مختلفی همچون دیدگاه‌های متضاد درباره فلسفهٔ

یونان، مخالفت عمومی با مسیحیان، مسیحیت و یهودیت و نزاع میان امپراتور مسیحی و

کلیسای مسیحی و موضع آگوستین درباره سرکوب بدعت‌ها (heresy) روبه‌رو می‌شویم.

فصل چهارم کتاب به طولانی‌ترین دورهٔ تاریخی مسیحیت یعنی از سال ۵۰۰ تا ۱۵۰۰

میلادی اختصاص یافته است؛ «دوره‌ای که کمتر از هر دوره‌ای در مسیحیت فهم و

ارزیابی شده»، در حالی که «در همین هزار سال بود که مسیحیت با تلاش میسیونرها

رشد کرد و همهٔ اروپا را زیر پوشش قرار داد و مسیحیت شرقی در امپراتوری بیزانس به

شکوفایی کامل خود رسید.»

نویسنده برای این دوره دو نام متفاوت انتخاب می‌کند. به اعتقاد وی، هر چند

اصطلاح «قرون وسطا» و صفت «قرون وسطایی» ساختهٔ متفکران رنسانس در قرن

پانزدهم است، اما این اصطلاح برای مسیحیت غربی مناسب است و با مسیحیت شرقی

سازگاری ندارد؛ لذا وی برای مسیحیت شرقی نام بیزانسی و برای این دوره نام عصر

بیزانسی (Byzantine Age) را برمی‌گزیند.

این تفاوت مسیحیت شرقی و غربی در کل فصل و در بخش‌های متفاوت و متون اولیه، از موضوعات مورد علاقه نویسنده است.

از دیگر محورهای این فصل، ظهور اسلام و نیز جنگ‌های صلیبی است: «در غرب کاتولیک، لاتین زبان کلیسا و کتاب مقدس بود و در شرقی ارتدوکس، میسیونرها کتاب مقدس و نمازنامه را به زبان اقوام مختلف ترجمه کردند و مسیحیت قرون وسطا در غرب نه تنها از طریق پاپ، اسقف و کشیش، بلکه از طریق راهب و فرابر نیز ترویج می‌شد. رهبانیت در مسیحیت غربی (دست کم از نظر شمار راهبان) پیوسته از مسیحیت بیزانسی نیرومندتر بود و راهبان حاملان تمدن غرب بودند. بیشتر الهیدانانی که عقیده مسیحی را در اواخر قرون وسطا سازماندهی و متحول کردند، مانند آنسلم و آکویناس، راهب بودند. علاوه بر این، شخصی که نهضتی اصلاحی را در دوره بعد آغاز و کلیسا را دو نیم کرد، راهبی آگوستینی به نام مارتین لوتر بود.» همچنین «بسیاری از میسیونرهای قدیم راهب بودند.» از این رو، رهبانیت جریانی بسیار گسترده، وسیع و تأثیرگذار در مسیحیت غربی و قرون وسطایی است که هم در فعالیت‌های تبلیغی، بسیار گسترده عمل می‌کند و هم در حیطه تفکر و هم در حیطه اصلاح طلبی. اما هم مسیحیت بیزانسی و هم قرون وسطایی در این دوره با تهدید جدی اسلام مواجه شدند. «اسلام از آغاز ظهور در سال ۶۲۲ میلادی به سرعت و بسیار سریع‌تر از مسیحیت شرقی یا غربی در خاورمیانه گسترش یافت. به زودی تقریباً همه سرزمین‌های خاورمیانه و آفریقای شمالی مسلمان شدند و بسیاری از جمعیت‌های مسیحی آن به اسلام گرویدند.» مهم‌ترین واکنش در برابر این تهدیدات، جنگ‌های صلیبی بود که به شکست انجامید. این در حالی است که نویسنده خود اعتراف می‌کند که «اقلیت‌های مسیحی کوچک تا اندازه‌ای با صلح و صفا در حکومت اسلامی می‌زیستند و شریعت اسلام از آنان حمایت می‌کرد.»

انواع ادبی منابع اولیه این دوره عبارت است از گاه‌شمار (chronicle) بیانیه‌های حقوقی، پرخاش، قواعد رهبانیت، سرودها، عرفان و نگارش مدرسی. از مهم‌ترین نویسندگانی که در این بخش آثار و سخنان‌شان انتخاب شده، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

گفت‌وگوهایی از پاپ گری‌گوری اول (۵۴۰-۶۰۴)، عالیجناب بید، یوحنا اهل موته کورونیو، اوربان دوم، بندیکت، یوحنا دمشقی، توماس اهل سلائیوی، آنسلم،

اکویناس، کاترین اهل نسیا و توماس اکمپیس.

دو متن عمده در بخش حوادث این فصل تحت دو عنوان زیر ارائه شده است:

الف) دو هیأت تبلیغی قدیم؛ که به بیان فعالیت‌های آگوستین اهل کانتربری می‌پردازد که به اشاعه مسیحیت در بریتانیا انجامید. در متنی دیگر، یوحنا اهل مونتِه کورونیو در ایتالیا، به بیان فعالیت‌های تبلیغی‌اش میان مغول‌های چین می‌پردازد. او در ایران نیز به فعالیت‌های تبلیغی پرداخته است.

ب) فراخوان پاپ اوربان دوم به جنگ صلیبی (در سال ۱۰۹۵): «برادرانِ شما در شرق به کمکتان بسیار نیازمندند و شما باید در رساندن کمکی که بارها به آنان وعده داده شده، شتاب کنید... ترک‌ها و عرب‌ها به آنان یورش برده، سرزمین رم و غرب آن تا سواحل مدیترانه و تنگه دارانل را فتح کرده‌اند. ایشان بیشترین مساحت سرزمین‌های آن مسیحیان را اشغال کرده، در هفت جنگ بر ایشان پیروز شده‌اند... همه کسانی که در این راه چه در خشکی و چه در دریا یا هنگام جنگ با بت‌پرستان بمیرند، گناهانشان بی‌درنگ پاک خواهد شد» (۲۲۱-۲۲۲).

جدایی رسمی شرق و غرب و نقد تاریخی در رنسانس از دیگر قسمت‌های بخش حوادث است.

یک کتاب خواندنی و متفاوت نیز در این فصل گزینش شده است: چکش جادوگران یا به لاتینی *Malleus Maleficar* که در سال ۱۴۸۶ به دست دو تفتیشگر برجسته و با مقدمه‌ای از پاپ در تأیید آن نگاشته شد: «هدف این رساله آن است که جادوگری را امری واقعی و تهدیدکننده معرفی کند... تکان‌دهنده‌ترین ویژگی کتاب چکش جادوگران حمله تند و تیزش به زنان است. حمله به جادوگران در اواخر قرون وسطی شاید اوج زن‌ستیزی در تاریخ اروپا باشد. کتاب یادشده بسیاری از ادله زن‌ستیزی را که در آن روزگار رواج داشته، بازگو می‌کند» (۲۲۹). به عنوان مثال، در این کتاب آمده است: «زن از مرد جسمانی‌تر است و این امر از آلودگی‌های فراوان جسم او اثبات می‌شود. در آفرینش نخستین زن، تقیصه‌ای وجود داشت. از قضیه نخستین زن نیز معلوم می‌شود که ایمان وی اندک است. این موضوع از واژه‌شناسی نیز اثبات می‌شود؛ زیرا واژه *femina* (زن) از *fe* به معنای ایمان و *minus* به معنای اندک ترکیب شده است.

مهم‌ترین قسمت بخش نهاد، سازمان جوامع رهبانی و اختلاف درباره شمایل شکنی

است. در بخش تعالیم، نخستین نزاع دربارهٔ عشای ربانی (با متونی از رادبرتوس و راترامنوس)، استدلال مدرسی برای اثبات وجود خدا (با متن کتاب «مقدمه» از آنسلم و نیز منتقد او گانیلو و نیز رابطه ایمان و عقل (از کتاب خلاصه الاهیات توماس) مهم‌ترین قسمت‌های کتاب است.

در بخش اخلاقیات نیز کتابچهٔ اخلاقی دودا (کتابچهٔ ویلیام)، زن فرانسوی فرهیختهٔ قرن نهم، سروده‌ای از فرانسیس قدیس در ستایش آفرینش الاهی و گزیده‌ای از نوشته‌های آلواروس پلاگیوس در شکوه از وضعیت اخلاقی و معنوی دانشجویان قابل توجه است. در خاتمهٔ این قسمت زیر عنوان «انضباط حیات باطنی» دربارهٔ کتاب اکمیسی سخن می‌گوید: «هیچ کتابی، به استثنای کتاب مقدس، بیش از کتاب افتدا به مسیح، اثر توماس اکمیسی به زبان‌های مختلف ترجمه نشده است. توماس، که راهبی آگوستینی از کشورهای پست بود و در سال ۱۴۷۱ درگذشت، دربارهٔ عرفان سادهٔ مسیحی با زبانی تقریباً بدون زمان سخن می‌گوید.

یکی از حساس‌ترین قسمت‌های این کتاب برای مسلمانان بخش ارتباطات این فصل است. نویسنده در قسمت «کشمکش اسلام و مسیحیت» به بررسی نگرش نویسندگان مسیحی این دوره به اسلام به مثابهٔ تهدیدی جدی علیه اروپای مسیحی، می‌پردازد. نویسنده با آوردن عبارات A.C. Pegis در کتابش و نقل آیات قرآن دربارهٔ اهل کتاب، چنین برداشت می‌کند که اسلام آیین یهودیان و مسیحیان را به عنوان اهل کتاب به رسمیت شناخت و وجود آنان را در قلمرو خود تحمل کرد، ولی همان‌طور که از نخستین متن (آیات قرآن) آشکار می‌شود، اسلام خود را جانشین یهودیت و مسیحیت می‌دانست.

دومین متن، از خلاصه‌ای در رد بت پرستان نوشتهٔ آکویناس انتخاب شده است. آکویناس با زنده‌ترین الفاظ و زشت‌ترین القاب، به پیامبر اکرم (ص) توهین می‌کند و ایشان را مردی معرفی می‌کند که مردم را با وعدهٔ لذات جسمانی فریب داد... «حقایقی را که تعلیم می‌داد، با قصه‌های فراوان و عقاید بسیار غلط درآمیخت.» جالب آن‌که آکویناس بر این باور است که پیامبر اکرم (ص) «تقریباً همه گواهی‌های عهد عتیق و جدید را تحریف کرد و آنها را به بافته‌های خویش مبدل ساخت» و از این رو، «یک تصمیم شروانهٔ وی این بود که پیروانش را از خواندن عهد عتیق و جدید منع کرد تا بطلان وی از این کتاب‌ها اثبات نشود.»

صاحب این قلم، همانند مترجمان کتاب با شرمندگی تمام در برابر ساحت نبوی (ص) این مفتریات و اکاذیب را ذکر می‌کند تا از یک سو، خواننده مسلمان به بساطت و سطحی بودن نگاه این به اصطلاح متفکر مسیحی به اسلام آشنا شود و هم از دیگر سو، به تفصیلات ما در معرفی چهره نبوی (ص) به جهان مسیحی. مترجمان در پاورقی این صفحه متذکر شده‌اند که «این گزیده از مغز کسی تراوش کرده که خود و اسلافش به سبب پیروی از آیین پولس، از تابش نور اسلام محروم بوده‌اند. وی تابع مرامی است که به جای سجده به درگاه خدای متعال، به خوردن خدا بسنده می‌کند. وی به پیروی از کتاب‌های به اصطلاح مقدس، از یک سو حضرت موسی (ع) را به ذبح کودکان متهم می‌کند و از سوی دیگر، اولین معجزه حضرت عیسی را ساختن شراب در مجلس عروسی می‌داند.»

کوتاه‌ترین دوره تاریخی در تقسیمات این کتاب، بیشترین صفحات کتاب را به خود اختصاص داده است، در فصل پنجم که «اصلاح در مسیحیت غربی» نام گرفته، به بررسی و بازگویی منابع اولیه ۱۵۰۰-۱۶۰۰ میلادی پرداخته است، «قرنی که دوران تغییرات گسترده در مسیحیت غربی بود... و رشد نیروهای اومانیسیم نشان داد که زمان برای اصلاحات فراگیر مناسب است.»

با پایان این قرن، «اروپا به کلیسای رم و پروتستانتیسم اروپای شمالی تقسیم شده بود، پروتستانتیسمی که به طور روز افزون از کثرت‌گرایی سیاسی و دینی خویش آگاه می‌شد. مقدر بود که این جدایی در مسیحیت غربی از شکاف دیرینه بین رم و کلیساهای ارتدکس شرقی مهم‌تر و شکست‌ناپذیرتر باشد.»

از نام‌های مختلف برای این دوره «اصلاح» است، چرا که «تقریباً هرگونه فعالیت مسیحی در اروپای قرن شانزدهم به نوعی اصلاح محسوب می‌شود»؛ در حالی که اصلاحات پروتستانی Protestant Reformation و اصلاحات کاتولیکی Catholic Reformation به گوشه‌هایی از اصلاحات این قرن اشاره دارد.

در بخش «کلیات تاریخی» مهم‌ترین حرکت‌های اصلاحی این دوره که مورد توجه نویسنده قرار گرفته، عبارت است از: نهضت فرانسیسکن‌های روحانی، نهضت مارتین لوتر، نهضت اصلاحات بنیادستیز (آناپتیسیت‌ها)، کالونی‌ها، اصلاحات کاتولیکی و در نهایت شورای ترنت.

مجموع این وقایع تاریخی نشان می‌دهد که «قرن شانزدهم یک دوران دگرگونی جنجالی بود؛ این دوران حرکتی را برای اصلاح موجب شد که قرن‌ها در مسیحیت غربی ادامه یافت. تلاش‌هایی که برای اصلاح مداوم در پروتستانتیسم صورت می‌گرفت، به علت اختلاف‌های دینی و ملی، به افزایش فروپاشی وحدت کلیسا انجامید. در کلیسای کاتولیک، اصلاحات ترنت به ساختارهای ثابت کلیسای کاتولیک و الاهیات آن استحکام بخشید. در عصر اصلاح، مسیحیت تنوع بیشتری یافت و جانی تازه گرفت؛ همچنین شکسته شد و موجب تفرقه گردید. فقط رویدادهای قرن بیستم که دوران اصلاح جدیدی در پروتستان و به ویژه در کلیسای رومی بود، آغازی بر کاهش پراکندگی مسیحیت از قرن شانزدهم بود.»

گونه‌های ادبی منابع اولیه این دوره عبارت است از: بسیاری از گونه‌های ادبی قدیم‌تر در مسیحیت (مثل تاریخ، سرود، نمازنامه)، نوشته‌های جدلی (مانند اصول نود و پنجگانه لوتر)، فرمان‌های دینی پادشاهان و ملکه‌ها و نوشته‌های دینی آکادمیک. اما دو گونه ادبی جدید این دوره عبارت است از اعتراف‌نامه‌ها و اعتقادنامه‌ها که به صورت پرسش و پاسخ طراحی شده بود.

آخرین نوع ادبی این دوره (کاتیشیم)^۱ است که نوعی تعلیم اعتقادات از طریق پرسش و پاسخ بود.

در بخش حوادث این فصل، مهم‌ترین اتفاقات و منابع و شخصیت‌هایی که مورد بحث قرار گرفته، عبارت است از: نقد کلیسا توسط دانشمند هلندی، دسیدریوس اراسموس، اعتراض لوتر به بخشش‌نامه‌ها، رد اتهام بدعت توسط لوتر، پاسخ مونتسر به لوتر درباره شورش دهقانان و محاکمه و مرگ مایکل ستلر،^۲ قرارگرفتن پادشاه انگلیس در رأس کلیسای انگلیکن و در نهایت آزادی دینی در فرانسه.

اما در بخش نهاد، دو قسمت مورد توجه عبارت است از اقداماتی جهت اصلاح آیین عشاء ربانی توسط لوتر و تأسیس دوباره دادگاه تفتیش عقاید در ژوئیه ۱۵۴۲ توسط پاپ پل سوم با هدف مشخص جنگیدن با پروتستانتیسم و جادوگری در میان مللی که به طور رسمی کاتولیک بودند (۳۳۶). در قسمتی از دستور وی چنین آمد: «ما پسر محبوب خود، جیوانی پیتر و کرافا را بازجوی کل با اختیارات قانونی در سراسر حکومت مسیحی

شامل ایتالیا و دربار رومی منصوب کرده‌ایم... (وی و زیردستانش) موظف‌اند از راه تفتیش عقاید همه و یکایک افرادی که از راه خداوند و ایمان کاتولیک منحرف می‌شوند، همچنین کسانی را که به بدعت متهم شده‌اند، همراه پیروان و شرکای عمومی یا خصوصی مستقیم یا غیرمستقیم بازجویی کنند؛ مجرمان و متهمان باید زندانی شوند و علیه آنان اقامه دعوا شود تا حکم نهایی صادر کرد.»

از مهم‌ترین عناوین بخش «تعالیم» این فصل، از میان برداشتن موانع اصلاحات، خلاصه اعتقادات زوینگلی، نخستین اعتراف‌نامه آناباپتیستی و اعتقادنامه ترنت است و در بخش اخلاقیات، دیدگاه کالون درباره رابطه کلیسا و دولت و نظر لوتر و کالون درباره نقش زنان در کلیسا.

در بخش «ارتباطات» این فصل درخواست بالتازار هوبمیر، رهبر آناباپتیست‌های جنوب آلمان در سال ۱۵۲۴، جلب توجه می‌کند. او می‌نویسد: «فرد باید با دانش مقدس بر آنان (بدعتگذاران) غلبه کند؛ نه از سر خشم، بلکه با نرمی؛ گرچه کتاب‌های مقدس چیزهای خشمگینانه‌ای دربردارند... مسلمان یا بدعتگذار نه با شمشیر و آتش، بلکه تنها با بردباری و دعا قانع می‌شود؛ بنابراین باید با شکیبایی در انتظار داوری خدا باشیم... سوزاندن بدعتگذاران در ظاهر اعتراف به مسیح و در واقع انکار اوست» (۳۹۱-۳۹۰).
نظر ایگناتیوس درباره پروتستان‌های جنگجو و آتش‌بس میان پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها در آلمان و دیدگاه کلیسای انگلیکن درباره کلیسا و دولت از دیگر قسمت‌های این بخش است.

در فصل ششم کتاب زیر عنوان «مسیحیت اوایل عصر مدرن» به منابع ادبی اولیه قرون ۱۷ تا ۱۹ پرداخته است؛ دوره‌ای که به زعم نویسنده، زمان استحکام و رشد مسیحیت بود. نویسنده از بین اسامی مختلفی که برای این دوره پیشنهاد می‌شود (همانند دوران پس از اصلاحات، مدرن و...) اصطلاح «اوایل عصر مدرن» را انتخاب می‌کند؛ زیرا دانشمندان سنت مسیحی این عنوان را اغلب به کار می‌برند و مورخان نیز عموماً این نام را به رسمیت می‌شناسند.

در این دوره تاریخی، مسیحیت «در اروپای غربی میان جنوب کاملاً کاتولیک رومی و شمال عمدتاً پروتستان (گرچه مختلط) تقسیم شد؛ در حالی که شرق اروپا به طور کلی از اصلاحات تاثیر نپذیرفت و خط مشی کلیسای باستان را ادامه داد.» وی می‌افزاید: «در

اواخر ق ۱۶، گرایش‌هایی به سوی اعتراف‌گرایی و حکمت‌مدرسی در کلیساهای لوتری و اصلاحی (و تا حد کمتری آناپتیست) آغاز شد.»

پارسامنتی در نیمه دوم قرن هفدهم واکنشی در برابر اعتراف‌گرایی و حکمت‌مدرسی بود. «پارسامنتی در قرن هجدهم، هدف عمده خنثی کردن تأثیر عصر روشنگری بر مسیحیت را به عهده گرفت و آن عصر سکولاریزه کردن فرهنگ به رهبری عقل بریده از ایمان است.

قرن نوزدهم، با کشفیات جدید در علوم طبیعی، شاهد استمرار چالش عقل سکولار بود؛ اما به رغم این چالش، مسیحیت به دلیل نهضت نیرومند میسیونری درباره چشم‌انداز ایمان در قرن بیستم کاملاً خوش‌بین بود؛ نهضتی تبلیغی که مستقیماً به عامل بزرگ دیگری برای خوش‌بینی مسیحی یعنی نهضت مسکونی‌گرایی انجامید و توانست در قرن بیستم، مسیحیت را زیر نفوذ خود قرار دهد.

اما در خصوص انواع ادبی منابع دست اول این دوره باید گفت «اوایل عصر مدرن بسیاری از انواع ادبی قدیم‌تر در سنت مسیحی به کار گرفته شد» همانند نگارش کتب تواریخ و دفاعیه‌ها، مواعظ و نامه‌ها. نوشته‌های علمی نیز در این دوره اهمیت از دست داده خود در دوره اصلاحات را به دست آورد.

اما نوع ادبی جدید و خاص این دوره، ژورنال (خاطرات شخصی رسمی) است: ژورنال‌ها در قرون وسطی و دوران اصلاحات نادر بودند؛ اما در اوایل عصر مدرن، بسیاری از رهبران مذهبی تأملات هر روزه خود را می‌نوشتند... این ژورنال‌ها را نباید تنها خاطرات شخصی دانست بلکه باید آنها را گزارش‌های رسمی بنیانگذاری یک نهضت خواند.»

در بخش حوادث، مهم‌ترین متونی که به چشم می‌خورد، از نویسندگان ذیل است: ویلیام لا، جانانان ادواردز، فیلیپ اسپنر، جرج ناکس (بنیانگذار آیین کویکرها)، ویلیام کری (رهبر نهضت میسیونری پروتستان)، ریچارد آلن (پایه‌گذار کلیسای اسقفی متدیستی آفریقا)، ژوزف اسمیت (بنیانگذار مسیحیت مورومونی) و فبی پالمر (بنیانگذار نهضت تقدس).

در بخش «نهاد» این فصل با عناوینی چون قواعدی برای انجمن‌های متدیستی، فتوا به عصمت پاپ و کلیسای ارتدکس روسی در آمریکا روبه‌رو هستیم. مهم‌ترین

نویسندگانی که در بخش تعالیم این فصل مورد توجه نویسندگان قرار گرفته‌اند، عبارت‌اند از: فریدیش شلایرماخر «که می‌کوشید جایی برای دین در میان روشنفکران فرهیخته آلمان، که بیشتر آنان از ایمان رسمی روی گردانده بودند، پیدا کند» (۴۴)، جان هنری نیومن (دانشمند آکسفوردی) و سورن کی‌یرکگارد (پیشگام مکتب فلسفی اگزیستانسیالیسم).

مواعظ کشیش فرانسیسکو داویلا، مبلغ مذهبی مسیحیت در پرو به زبان فرایچو، زبان بومی سرخپوشان از قسمت‌های خواندنی این بخش است: «داویلا نشان می‌دهد که فهم خوبی از مردم خود دارد؛ اما رنج اینکهاها به دست اسپانیایی‌ها را به حسب تقدیر الاهی و مجازات گناه توجیه می‌کند.» او می‌نویسد: «من شبان مهربان لاما‌های کوچک‌ام، شبانی با قلبی بزرگ، او به خاطر لاما‌هایش هیچ ترسی از مرگ ندارد... من شبان خوبی هستم که حیواناتش را می‌شناسد و حیوانات نیز مرا می‌شناسند. همه انسان‌ها و مردان و زنان لاما‌های عیسی مسیح‌اند.» «خدا اینکهاها را به سبب خطاهای گذشته‌شان آزار می‌دهد و می‌میراند... خدا این کار را بی‌حساب انجام نداده،... سفیدپوستان مأموران خدا بوده‌اند. آنان برای همین هدف آمده‌اند وگرنه جان‌های سرخپوستان به سبب ترک عبادت خدای واقعی و خطاهای دیگر به جهنم می‌رفت.»

در بخش «اخلاقیات»، متونی در باب نزاع دربارهٔ بردگی، ظهور نهضت فمینیستی و دیدگاه آیین کاتولیک دربارهٔ تحول اجتماعی با متونی از پاپ لئوی سیزدهم، ساراگر یمکه و خواهرش انجلینا و جان انگلند، به چشم می‌خورد.

سه عنوان مهم بخش ارتباطات عبارت است از: برخورد مسیحیت با عقل روشنگری (مطلبی از جان لاک و تیندال)، ضدیت پروتستان‌های آمریکایی با کلیسای کاتولیک و مقابله کلیسای کاتولیک روم با اندیشهٔ سکولار.

فصل هفتم که کوتاه‌ترین فصل کتاب است، با نام «مسیحیت در دوران جدید» به منابع ادبی ۱۹۰۰ به بعد اختصاص یافته است؛ قرنی که «با آهنگ خوش‌بینی آغاز شد؛ اما با حوادث جنگ جهانی اول و رشد مکتب تمامیت‌خواهی، الاهیات و سپس کلیسا واقع‌گراتر شد.»

سه رخداد اصلی این دوره عبارت است از: راست‌کیشی جدید (کارل بارت)، وحدت‌گرایی فعالیت‌های میسیونرهای پروتستان و شورای واتیکانی دوم در سال

۱۹۶۲. اما در دوره جدید چهار نهضت در مسیحیت اهمیت روز افزون یافته است: فمینیسم، نهضت کاریزماتیک، الاهیات آزادی‌بخش و کثرت‌گرایی.

در دوره جدید انواع قدیمی ادبیات منابع اصلی همچون تاریخ، نامه‌ها، نمازنامه‌ها و... باقی مانده است؛ اما دو نوع ادبی تازه نیز پیدا می‌شود: موافقتنامه مسکونی (توافق نامه بین کلیساهای از هم جداشده) و بیانیه مطبوعاتی.

از جمله متون قابل تأمل در بخش حوادث این بخش می‌توان به تحلیل رابرت اسپیر از میسیونری پروتستانی و نیز اعلامیه بارمن (که بیشتر آن به قلم کارل بارت نوشته شد) بر ضد رژیم نازی و نیز نامه مارتین لوتر کینگ به روحانیون مسیحی و یهودی اشاره نمود. در بخش نهاد این فصل، این عناوین به چشم می‌خورد: شورای جهانی کلیساهای، نمونه‌ای از مصوبات شورای واتیکانی دوم، مسئله کشیشان زن در کلیسای کاتولیک رومی و سرودهای قرن بیستم.

چند نکته در باب ترجمه کتاب:

در خصوص ترجمه این کتاب چند نکته قابل ذکر است:

نخست، همان‌طور که در ابتدای کتاب آمده است، «برگردان متون الاهیات مسیحی به زبان فارسی... که با الاهیات مسیحیت هماهنگ نیست، دشواری‌های خاص خود را دارد.» انجام این مهم را با همه سختی‌های کار به فال نیک می‌گیریم و امیدواریم که روند ترجمه این گونه آثار ادامه یابد.

دوم، پاورقی‌های مترجمان هر چند بسیار اندک است، بعضی از اشتباهات نویسنده را در ذکر مآخذ نیز جبران کرده است (به عنوان مثال در صفحات ۲۱۵-۴۲۲).

سه، در کتاب حاضر، دو قسمت از کتاب به دلیل دشواری کار، ترجمه نشده است: یک گزیده بسیار پیچیده گنوسی در بخش تعالیم فصل سوم... و چند گزیده فنی از الاهیات معاصر در آخر کتاب. مناسب بود که مترجمان این قسمت‌ها را به عنوان ضمائم در انتهای کتاب به زبان اصلی می‌آوردند.

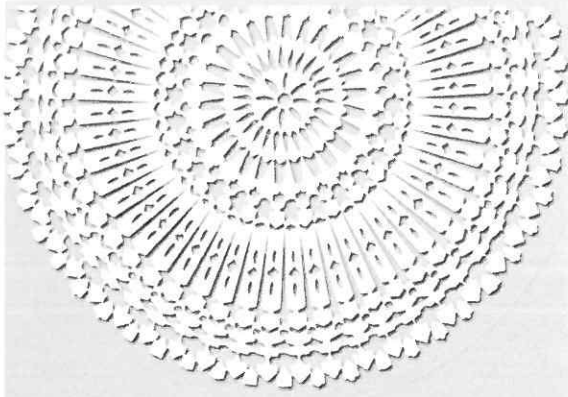
چهارم: یکی از اقدامات قابل تحسین مترجمان، نقل ترجمه متون کتاب مقدس و قرآن کریم از تراجم معتبر است. در ترجمه متون کتاب مقدس از ترجمه معروف به «ترجمه بروس» و در ترجمه قرآن کریم از ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی استفاده شده

است. مناسب بود که مترجمان در ابتدای کتاب این نکته را متذکر می‌شدند. پنج، مشخصات اصلی کتاب در ابتدای کتاب، چنان که مرسوم است، ذکر نشده است. معرفی عنوان اصلی کتاب، زمینه تحقیق و تطبیق متن و ترجمه و آشنایی خوانندگان با عنوان اصلی کتاب است.

شش: نمایه‌اسامی، مکان‌ها و کتب و... می‌تواند در چاپ‌های بعدی بر بهره‌برداری هر چه بیشتر محققان از مطالب کتاب بیفزاید.

هفت، شایسته است عناوین کتاب‌هایی که به فارسی ترجمه شده، در پاورقی ذکر شود تا خوانندگان فارسی‌زبان نیز بتوانند به ترجمه آن مراجعه کنند.

هشت، تعجیل در انتشار کتاب سبب بروز بعضی اغلاط در فهرست کتاب و ذکر شدن عنوان بخش با مطالب بخش در یک قسمت شده است (به عنوان مثال در فهرست صفحات ۵۵، ۱۳۹، ۳۰۴). همچنین در متن کتاب عنوان بخش‌ها از مطالب بخش به خوبی تفکیک نشده است که بایسته است که در چاپ‌های بعدی تصحیح شود.



دانشنامه دین

دانشنامه دین

